

## نهم ثور (سه روز پی در پی)

تا هنوز یاد خاطرات تلخ روزهای هفت و هشت ثور فراموش نشده که روز دیگری بنام نهم ثور در تاریخ کشور ما در حال آبیستن است تا بجای درامه های دو روز پی در پی در پی درامه بزرگتری را بنام سه روز پی در پی با ملالت ها و تلخ کامی ها بیشتر به نمایش بگذارد... اینکه روز سوم چه پیامد های را در پی خواهد داشت تجربه های گذشته و درامه های آینده شکل دهنده آن خواهد بود. اگر جناب رئیس کمیسیون تخنیک تاریخ این روز را به روز نهم ثور مسجل نمی ساخت عنوان نوشته حاضر (دو خرام کم بها تر از یک گرام) بود، چون دولت مدت ها زیر نام و لباس جرگه امن منطقوی خرامیده بود و حال که نقش صلح را بر روی این طیلسان (۱) پر زرق و برق کشیده است میتوان گفت خرام دیگر در راه است که هدف بزرگتر و مبهم تری را دنبال میکند و اما از رهگذر پیامد و نتیجه و یا روشنتر بگوئیم اثر گذاری بر روی مخالفین کم بها تر از یک گرام خواهد بود. هرچند نوشته حاضر میتواند عناوین فرعی زیاد تری را احتوا نماید اما بخاطر بی بها بودن این خرام پرمصرف لازم میدانم اولتر از همه دلائل نا کار آمدی این جرگه را از نظر خود بر جسته سازم.

### جرگه صلح، پر مصرف و کم اثر:

وقتی اداره یک کشور بدست کمیسیونها و جرگه ها سپرده میشود باید فاتحه اش را خواند، چون ضعیف ترین و بی الزام ترین اداره کمیسیون و جرگه است. نحوه تفسیر و تأویل از جرگه امن و جرگه صلح به اولیای امور ارتباط دارد من چندان تفاوت بین امن و صلح نمی بینم چنانچه پیامد ها و دست آورد های این جرگه را نیز بهتر و بیشتر از جرگه امن منطقوی بحساب نمی آورم. در تمام جهان تعامل این است که برای اداره کشور قوای سه گانه با تفکیک صلاحیت کفایت کس جلو اداره کشور را به دم جرگه و کمیسیون بسته نمیکند. تعیین کمیسیون بخاطر رسیدگی به نیازهای ابتدائی به مفهوم فرار از مسئولیت و گریز از مشکلات است، و ضعیف ترین نهاد در پهلوی دولت کمیسیون است که به منظور شانه تھی کردن از مسئولیت از طرف مسئولین بی کفایت و راه گم کرده تعیین میشود. در کشور ما بجای اینکه به سراغ مشکل بروند همیشه در حال فرار از مشکل اند. شما نتیجه کار سه کمیسیون پبهم مبارزه با فساد اداری جناب حامد کرزی را مشاهده کنید که چه هست؟ و جرگه امن با تمام گردن کجی چه ارمغان به بار آورد؟ تشکیل کمیسیون ها به مفهوم اعتراف بر بی کفایتی و یا گریز از مسئولیت چیزی بیش نیست.

**دوم:** همه صاحب نظران بر این عقیده اند که مشکل افغانستان قسماً داخلی و عمدتاً منطقوی و جهانی است. یعنی اول باید اقوام افغانستان خصوصاً در هلمند و قندهار از خصومت و قوم کشی دست بردارند تا یکطرف وسیله دست استخبارات پاکستان نشده و صف بزرگ را بنام مخالف و طالب تشکیل ندهند. دوم همسایه های افغانستان باید در برابر جامعه جهانی بر عدم مداخله در امور افغانستان تعهد بسپارند و اقوام دو طرف خط دیورند هم در جلسات شرکت داشته باشند و توضیح دهند که چرا القاعده و طالبان را کمک میکنند و خواست و نیاز شان چیست. البته جرگه امن منطقوی با همین وسعت و ظرفیت جلسات را با دل نا خواسته دائر نمودند اما نتیجه را تنها داکتر فاروق وردک میداند و یا جناب حامد کرزی. آخر کسی نیست پرسان کند جرگه قبلی که مبتکر آن کرزی صاحب و فاروق وردک بود جز مصرف پول چه دست آورد داشت که باز هم مردم در پای تریبیون آقای وردک نشسته اند و منتظر اند که در مورد اهداف جرگه صلح و آینده چه میگوید.

**سوم:** در جرگه صلح نهم ثور به تعداد ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ تن از نمایندگان اقشار مختلف کشور و مهمانان کشورهای جهان و غیره شرکت میکنند. (۲) اگر هدف از حضور این تعداد شنیدن نظریات و پیشنهادات حاضرین و یا بررسی خواست ها و نیازهای جانبین باشد طی سه روز جلسه آنها با کمال بی نظمی گمان نمی رود بیشتر از صد نفر ابراز نظر نمایند پس باید جلسه صد نفری متخصصین را تشکیل میدادند و اگر میخواهند باز هم چیزی گنده بی کیفیت را نشان دهند شاید هدف دیگری در فرجام این جرگه نهفته باشد که بعداً اشاره خواهم نمود. والا جناب رئیس جمهور با فاروق وردک میتوانند آنچه به صلح کمک میکند طی فرمان و یا اعلامیه رسمی در مطبوعات اعلام نمایند که این است شرائط صلح و این است میکانیزم و چوکات بندی، چه حاجت به اینقدر سفر بری و کشمکش. میدانم میخواهند شمار دست های بلند شده بخاطری هدفی که زیر پرده است در تلویزیون زیاد معلوم شود و بر چیزی مشروعیت بخشد که آینده کشور را تاریک تر از گذشته و حال سازد.

**چهارم:** تشکیل جرگه های اضافی اهانت اشکار به شورای ملی کشور است. جرگه صلح نماد بی اعتمادی و اهانت حامد کرزی و فاروق وردک به شورای ملی کشور میباشد به دلیل اینکه در روز نهم ثور نمایندگان منتخب ملت منحيث افراد بی اعتبار در پهلوی نمایندگان خواهند نشست که شخص حامد کرزی انتصاب نموده است. اگر دولت میخواهد نظر مردم را بخواهد میتواند این مسئله را در شورای ملی مطرح سازد که همه نمایندگان منتخب ملت اند. شما اهدافی را که جناب وردک مطرح نموده ملاحظه فرمائید بدرستی میدانید که تصمیم گیری درین مورد از صلاحیت ها ومسئولیت های کامل رئیس جمهور، شورای ملی و قوه قضائیه کشور است که ملت گاهی هم با آن مخالفت نمیکند. اما دولت طوری وانمود میسازد که این کارهای بزرگ بالا تر از صلاحیت رسمی ارکان ثلاثه دولت بوده باید یک نهاد با صلاحیت تر و با اعتبارتر بنام جرگه صلح تصامیم بزرگ را بگیرد که خود اقدامیست در جهت ترور حیثیت شورای ملی کشور. آقای وردک درمورد اهداف جرگه ملی مشورتی صلح چنین گفت:

(سه هدف اساسی اول مشوره، مفاهمه و موافقه با ملت افغانستان برای رسیدن به صلح دوامدار. دوم موافقه روی چهار چوب مفاهمه با مخالفین. سوم ایجاد مکانیزم مفاهمه با مخالفین می باشد)

### ملاحظه.

اول هدف دوم وسوم چندان از یکدیگر تفاوت ندارند اگر به چهارچوب توافق شده همان را میکانیزم قبول کنید. دوم ملت افغانستان نمایندگان خود را تعیین نموده اند که در شورای ملی حضور دارند. این حرکت یا بی اعتنائی به نمایندگان ملت است و یا اظهار بی اعتمادی و بی کفایتی ارکان ثلاثه دولت. آیا حامد کرزی کدام طرح صلح را در قالب فرمایشات جناب وردک به شورای ملی و ستره محکمه پیشکش نموده که رد شده باشد و حال میخواهد از قاطبه ملت کمک بخواهد؟ نه خیر. از نظر من سه هدف فوق آنقدر طمطراق نمیخواهد یک صداقت تعهد و راستی در برابر مردم و مبارزه علیه فقر و اختلاس مشکل را آسان میسازد.

### اهداف احتمالی جرگه :

شکل بندی جرگه صلح ایجاب مینماید تا دو هدف را دنبال کند.

### اول استعفای رئیس جمهور:

گمان می رود رئیس جمهور از ادامه حاکمیت که نه در آن صلاحیت است و نه قانونیت و آسایش برای ملت خسته شده باشد. وقتی دیده میشود رئیس جمهور نقاره صلح را در لندن و حامیان بین المللی اش زنگ ناقوس جنگ را در مارجه به صدا در می آورند فهمیده میشود که رئیس جمهور ساحة صلاحیت های خود را درک کرده است لذا تلاش می ورزد تا در محضر نمایندگان اقصاء مختلف مردم افغانستان و نمایندگان جامعه جهانی استفا دهد. و این یک اقدام بجا و منطقی است. وضعیت سیاسی و امنیتی و اقتصادی کشور آنقدر بحرانی است که ایجاب یک تحول سالم و مثبت را مینماید. از طرفی مشروعیت دولت فعلی نیز روی دلایل مختلف زیر سؤال است. از رهگذر نتایج انتخابات صحبت نمیکنم چون دوستان درین مورد خیلی قلم فرسائی کرده اند. اما دلایل آتی قابل مکث است.

۱- دست نشانده است بخاطر اینکه در مسئله جنگ و صلح با مخالفین از دیگران اجازه میگیرد. اگر رئیس جمهور صلح بگوید دوستانش جنگ میخواهند و اگر او از جنگ صحبت کند وزیر خارجه انگلیس از سرعت مذاکرات صلح حرف میزند. خلاصه رئیس جمهور ما نباید بلند حرف بزند که صدایش بگوش دیگران برسد.

۲- عدم تسلط و حاکمیت بر جغرافیای کشور. دولت واقعاً خارج از ادارات دولتی صلاحیت چندان ندارد شاید به نظر شما برخی ولایات آرام به نظر رسد و امنیت ظاهراً تأمین باشد اما این آرامش به معنی حاکمیت دولت نیست بلکه مناطق و محلات مختلف توسط گروپ های خود سر اداره میشود که با والی و قوماندان امنیه تعهد سپرده اند که به داخل دفتر شان حمله نمیکنند. نمونه روشن آن آرامش و امنیت ولایت غور است که به هیچ صورت به مفهوم حاکمیت دولت نیست. در جوار ولایت محاکم قوماندانان محلی فعال است و عشر، جزیه و خراج از مردم جمع میشود و تفنگداران مانند سالهای جهاد جبهه و محکمه خود را دارند.

۳- عدم حکومت قانون: دولت بر خلاف تحلیف و تعهد قوانین کشور را نافذ کرده نمیتواند. از آنجائیکه دولت بر سر زمین حاکمیت ندارد قادر به تطبیق قانون هم نیست. چون مسئولین دولتی غیر مسئول و بلا تکلیف اند و خراج از اداره دولت در بسیاری از ولایات حاکمیت ندارند. در جائیکه نه ساحة حاکمیت باشد و نه اقتدار قانون و نه اعتماد و باور مردم پس مشروعیت از آسمان هم تأیید نشده رابطه دولت و مردم را چگونه فکر میکنید؟

### هدف دوم تأیید سلطنت موروثی:

اگر مسئله استعفا مطرح بحث نباشد مسئله اخذ بیعت غیر علنی بخاطر ادامه حاکمیت سلطنتی قویا محتمل است. از زمانیکه جناب حامد کرزی برخلاف انتظار بجای ملغی ساختن کمیسیون تقلب کار و دست نشانده انتخابات کمیسیون

سمع شکایات را نیز بفرمان خویش تعیین نمود این احتمال افزایش یافته است که رئیس جمهور میخواهد شیوه زعامت را از ریاست به سلطنت انتقال دهد و تلاش می ورزد با تشکیل جرگه بزرگ زیر هر نامیکه باشد از مردم تعهد بگیرد تا مادام العمر و یا تا زمان بزرگ شدن میرویس چوچه بر تخت سلطنت باقی بماند چون انتخابات هم مصارف زیاد دارد و هم عرف خلاف عنعنات افغانهاست پس همین جرگه صلح که کار لویه جرگه عنعنوی را انجام میدهد برای سرپوش گذاشتن به همه رسوائی ها کافیت و میتواند عمر هر حکومت فضول و خود کامه را طولانی تر سازد. خلاصه افغانستان بعد ازین بجای دو روز پی در پی سه روز پی در پی را با ناگواری های بیشتر در تاریخ خویش رقم میزند با تفاوت اینکه دو روز اول با درد فراوان بیداری آفرید و اما روز سوم با ترزیق پیچکاری بیهوشی خواب آفرین است چون مردم خسته شده اند میخوانند باز چهل سال بخوابند... .

## پایان

توضیحات از پورتال افغان جرمن آنلاین :

- (۱) طیلسان : طیلسان کلمه عربی است به معنی جامه گشاد و لباس بلند است که بر تن می کردند. نوعی تکه سبز کلان است که زرتشیان بر دوش می آویختند.
- (۲) نمیدانیم که منظور نویسنده محترم انعقاد همان کنفرانسی است که در کابل صورت میگیرد و تصمیم آن در لندن اخذ شده و یا کدام گردهمایی دیگر؟ چه تاریخ انعقاد کنفرانس کابل تا هنوز اعلان نشده است.